



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

# ( صدور معجزه ظاہرہ )

بامرہ از حضرت ثامن الائمه شاهنشاه  
جهانیان قطب دائرہ عالم امکان فرست

اهل ایمان حجة الله بالفه

ابى الحسن على بن موسى الرضا عليه السلام

در ماه شعبان سال ۱۲۷۳ قمری

موافق ۱۲۴۲ شمسی

## راجع بشفا دادن

عبدالحسین یاگز ان استوار یکم

از مرض فلج چندین ساله طبق مدارک صحیحہ معتبرہ

وشهادات متواترہ

---

چاپخانه طوس مشهد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# صدور معجزه ظاهره

نویسنده:

عبدالحسین پاکزاد

ناشر چاپی:

طوس (مشهد)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	صدور معجزه ظاهره
۷	مشخصات کتاب
۷	اثر طبع بنده قاصر
۱۸	رونوشت پرونده
۱۹	امریه ریاست محترم تشریفات استان قدس: بمسئول پاسداری
۱۹	گزارشی که مسئول دایره پاسداری: بداره تشریفات آستان قدس داده
۲۱	استشهاد نامه پاکزاد در اینباب
۲۲	گواهی سروان شه پرست
۲۲	گواهی سروان امیر اکرمی
۲۳	گواهی رئیس کارگزینی لشکر ۸
۲۳	گواهی سرگرد وائقی
۲۴	گواهی استوار یکم علی فابریکی
۲۴	گواهی استوار شاهدهاری
۲۵	گواهی استوار یکم مهدی نیک منش
۲۵	گواهی سرهنگ ۲ فرزانه
۲۵	گواهی کرمعلی محمدی
۲۶	گواهی سرگرد معتمد پور
۲۶	گواهی سرهنگ محتشمی
۲۶	سروان کهربائی
۲۶	گواهی سرگرد قریب
۲۷	مرقومه حضرت حجۃ الاسلام فقیه: سبزواری مه ظلله العالی
۲۷	گواهی دکتر جواهریان
۲۸	گواهی کفشدار

۲۸	گواهی سید زیارت خوان
۲۹	گواهی پاسدار
۳۰	گزارش جناب آقای رئیس تشریفات
۳۱	جواب نیابت تولیت عظمی
۳۱	امریه آقای رئیس تشریفات
۳۱	جواب دائره پاسبانی در ذیل امریه
۳۲	صلی الله علیک یا مولای و سیدی یا ابا الحسن علی بن موسی الرضا
۳۵	درباره مرکز

## صدر معجزه ظاهره

### مشخصات کتاب

(صدر معجزه ظاهره)

ره از حضرت ثامن الائمه شاهنشاه جهانیان قطب دایره عالم امکان غوث

بل ایمان حجة الله بالغه ابی الحسن علی بن موسی

الرضا علیه السلام

در ماه شعبان سال 1373 قمری موافق 1333 شمسی

راجع بشفا دادن

عبدالحسین پاکزاد استوار یکم

از مرض فلج چندین ساله طبق مدارک صحیحه معتبره

و شهادت متواتره

چاپخانه طوس مشهد

خیراندیش دیجیتالی: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم زهرا خلجی

ص: 1

اثر طبع بنده قاصر

کلب استان هشتمین شرط کلمه طیبه لا اله الا الله

محمد حسن میر جهانی جرقوئی اصفهانی

در استان رضا ان شهی که راه ندارد

مسلم ست که جز خیل غم سپاه ندارد

هر ان که نیست گرفتار تار زلف سیاهش

بروز حشر بجز نامه سیاه ندارد

گدای کوی توام گر چه غرق بحر گناهم

بغیر درگهت این رو سیه پناه ندارد

مراد دینی و عقبی ز پیشگاه تو خواهم

که پایه کرمت هیچ پیشگاه ندارد

ص: 2



حیین بجرم و گناهم ببین بعفو و سخایت

چرا که محکمه عفو دادخواه ندارد

نهاده ام چو سگان سر بر استان جلالت

بلقمه بنوازی سکی گناه ندارد

بیا بگوشه چشمی ز قید غم برهانم

که جز تو بنده شرمنده پادشاه ندارد

ز بحر علم خود ایشاه قطره بچشانم

که حاصلی دل مسکین بغیر آه ندارد

گواه من همه خون دلست و گونه زردم

شها مگوی که این مدعی گواه ندارد

همی بمزرع دل تخم ارزو بفشاندم

بجز رجا دل حیران من گیاه ندارد

ص: 3

سانحه روز چهارشنبه هفدهم شهر شعبان المعظم سال يك هزار و سيصد و هفتاد و سه قمری در مشهد مقدس رضوی در موضوع شفا یافتن يك نفر استوار يكم كه معلول و از پا و دست فاج و مبتلا برعشه بوده و باعجاز حضرت ثامن الحجج عليه السلام شفا یافته از این قرار است .

اینجانب كلب استان ملايك پاسبان حجت بالغه الهیه قبله هفتم فرقه ناجیه اثنی عشریه هشتمین شرط كلمه طيبه لا اله الا الله سلطان سریر ولایت و ارتضاء حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام و علی جدهما و جدتهما و ابائهما و ابنائهما الطیبین الطاهرین المعصومین افضل الصلوات العالیات و اكمل التسلیمات المتعالیات .

( محمد حسن میرجهانی جرقوئی اصفهانی عفی عنه )

بر حسب عادت و رویه مرسومه که داشتم از کتابخانه مبارکه استان قدس بر می گشتم بملاحظه رعایت مصاحبت و مراقت با جناب مستطاب سید الادباء و المحققین فخر النقباء و المدققین آقای حاج قطب المحدثین دام تائیده العالی از غیر خط سیر همیشگی از طریق جامع گوهرشاد وارد صحن عتیق شدم قریب ربع از صحن شریف را مملو از جمعیت انبوه دیدم از مرد وزن که تماماً متوجه بودند بسمت فوقانی دفتر آستانه مبارکه و مستمع بودند بیانات يك نفر از آقایان محترم را که مشغول دعا بود و می دیدم که غالب از جمعیت گریه می کردند و اشک های ایشان از شوق جاری بود چنین یافتم که قضیه مهم پیش آمد شده و در اثر آن قبلا سخنرانی شده هر چند آن قضیه در نزد این ضعیف سابقه ذکری و ذهنی داشت ولی در آن حال بخصوص خالی الذهن از میان جمعیت بزحمت راه باز می کردم برای رفتن بصحن نو از طریق صحن کهنه ضمناً در اواخر جمعیت محاذی درب کفش داری بزرگ برخورد نمودم بیکی از علماء مشهور از اهل شهرضای اصفهان ( آقای حاج میرزا

ص: 5

محمد رضا مهدوی) که از موالی قدیمی اینجانب و برای زیارت مشرف شده بودند نام برده استعمال از علت اجتماع و ازدحام نمودند چون از هیاهوی مردم فهمیدم که راجع بمعجزه باهره ایست که در چند روز قبل از حضرت رضا علیه السلام ظاهر شده بود راجع بیک نفر استوار خواستم با ایشان مشغول صحبت شوم در این حال یک نفر پاسبان از آستان قدس اینجانب را از طرف جناب آقای مجید فیاض ریاست محترم اداره تشریفات آستان قدس احضار بخدمت ایشان نمود لذا با آقای مهدوی خداحافظی کرده و در عقب پاسبان روانه شدم و در همان ایوان فوقانی خدمت آن ریاست محترم رسیدم در آن جا آن شخص نظامی که مورد توجه خاص حضرت رضا علیه السلام شده و شفا یافته بود برخواست و با حقیر مصافحه و معانقه نمود در حالتی که از فرط شوق و وجد اشکش جاری بود پس داعی وقت را غنیمت شمرده از او در خواست نمودم که عین قضیه را کما هو برایم نقل کند چون جمعیت زیاد بود و تماشاگران از پائین بجانب بالا هجوم می آوردند باتفاق او داخل حجره فوقانی که

ص: 6

در عقب ایوان بود شدیم با این که مردم مهلت نمی دادند و هر کدام برای تیمن و تبرک دستمال های شیرینی و پول و غیره در نزد او می آوردند که بدست و دهان خود لمس و مس کند اینجانب اول نام و شهرت و خصوصیات او را پرسیدم و بعد شرح قضیه را سؤال کردم و او جمله جمله می گفت و حقیر می نوشتم در جواب گفت نام من عبد الحسین شهرت پاکزاد پدرم خانعلی مادرم زهرا شماره شناسنامه ام چهار هزار و سیصد و سی و نه (4339) صادره از مشهد پایه رتبه ام استوار یکم از اهل رضائیه آذربایجانم جمعی هنگ بیست و یک پیاده لشکر هشت خراسان اول قضیه جان محمد خانی و آخر خزاعی در سال یک هزار و سیصد و چهار شمسی در جنگ ترکمن صحرا چهار گلوله بدست و پاهایم خورد و دو پایم با دست چپ مورد اصابت گلوله شد و مرا بعنوان اسیری بترکمن صحرا بردند و سه سال در آن جا در دست آن ها اسیر و گرفتار بودم پس از مدت سه سال که نجات برایم حاصل شد مرا آوردند به دروازه جنت در بهداری لشکر که آن وقت در تحت ریاست سرهنگ حاذق الدوله

ص: 7

ریاست صحیح بود مدت سه سال در مریض خانه خوابیدم سه مرتبه کمیون طبی تشکیل داده شد برای قطع کردن دست چپ من از شانه در کمیون سیم نا امید شدم در حالت نا امیدی در همان مریض خانه متوسل به حضرت رضا علیه السلام شدم شاه فقید ( پهلوی ) در آن وقت دکتر کافیف را جزء مریض خانه لشکر هشت خراسان برقرار نموده بعد از سه سال درخواست مرخصی کردم بعنوان این که چون من در جنگ بودم و اسیر شدم حالا که نجات پیدا کردم مرا مرخص کنید تقاضای مرخصی من بعد از سه سال پذیرفته شد شب جمعه بود به وسیله دو نفر از پرستاران بهداری در شکه حاضر و مرا در در شکه گذاردند و تا دم بست حضرت رضا علیه السلام آوردند از آن دو نفر تمنا کردم زیر بغل مرا گرفتند آوردند دم ایوان طلا پس بایشان گفتم شما بروید آن ها رفتند تا ساعت دوازده نصف شب دم سقاخانه اسمعیل طلایی در انتظار شفا بودم و ساعت دوازده شب توسط خدمت گذاران حضرت رضا علیه السلام که فرش ها را برای تکاندن بیرون آوردند در صحن مقدس از گرد فرش ها خاک

ص: 8

گرفته به بدن خود مالیدم نصف شب با دربان های مریض خانه بوسیله درشکه مرا به مریض خانه برگرداندند و از در شکه پیاده کردند  
قراولها بنده را بردند روی تخت خواب بوسیله پرستارها خوابانیدند از فردا که بنا بود عمل کنند و دست مرا ببرند منصرف شدند دانستم که  
توجه حضرت رضا علیه السلام شد و دست من قطع نشد و برابر ماده 3 فرمان عمومی ارتشی بشماره (5757) و ماده 7 فرمان (6751)  
ماهیاره از تاریخ 25, 8, 1328 مبلغ سیصد ریال حقوق معلولیت بمن می دادند تا امسال بیست و سه سال است که دست چپ و پا  
های بنده اصلا حرکت نداشته و از تاریخ ده یا نه سال پیش از این کار باینجا رسید که برای سیاهی تیر خوردگی رجوع بدکترها و  
متخصصین شد و از عمل کردن مانع شدم شش ماه خوابیدم و در عرض شش ماه در حدود دو هزار سوزن های آمپول و دواهای تلخ و  
شور را بمن دادند و بنده نجات قدیدم هم خودم خسته شدم و هم اطباء تا این که همه دکترها و فرماندهان نوشتند که قابل هیچ گونه خدمتی  
نیست و معالجه نخواهد شد بنده نا امید شدم مراجعه

ص: 9

بپرونده کردم دیدم نوشته اند بکلی قابل خدمت نیست از دست و دو پا فلج و لا علاج است خلاصه بهمین حال بودم تا روز نوزدهم فروردین جاری روز تولد حضرت سید الشهداء علیه السلام در ماه شعبان جاری آمدم در اداره دژبان لشکر شرح حال خود را گزارش دادم و دو موقع بیرون آمدن در میدان پستخانه جلو ستاد لشکر بزمین خوردم نفهمیدم چه شد بعد از یک ساعت و نیم که بهوش آمدم دیدم در اطاق دژبان با بندگان معاون لشکر و جناب سرهنگ رئیس دژبان و چند نفر دیگر دور مرا گرفته اند و پی در پی به بهداری تلفن می کنند : که آمبلانس ( ماشین ) بفرستند و بنده را به بهداری لشکر ببرند وقتی که می خواستند اعزامیه صادر کنند بنده چشمم باز شد گفتم جناب سرهنگ مرا کجا می فرستید در جواب من گفت بابا جان حالت خرابست شما را می فرستم برای بهداری لشکر عرض کردم جناب سرهنگ من سال ها است از بهداری لشکر نتیجه نگرفتم پرونده کل بنده در بهداریست نتیجه ندارد مرا مرخص کنید بروم خدمت حضرت رضا علیه السلام پذیرفتند و من آمدم در

ص: 10



خیابان طبرسی دم قهوه خانه زمین خوردم دو نفر یکی از کسبه و یکی از گردان های لشکر بنده را خواستند ببرند در قهوه خانه مجددا تمنا کردم که مرا ببرید در استان قدس آوردند بنده را در پائین پای حضرت علیه السلام زیارت نامه خوان زیارت خواند چون بنام حضرت ابو الفضل علیه السلام رسید دخیل شدم و حضرت را قسم دادم که شفیع شود یا خدا مرا مرگ دهد یا شفا در حال گریه بودم نفهمیدم چه شد ناگاه بوی عطر خوشی به مشام من رسید و صدائی به گوشم خورد و نوری در صورت و بدن من جاری شد چشم باز کردم دیدم سیدی جلیل القدر بالای سرم ایستاده بمن فرمود حرکت کن حرکت کردم یافتم که هیچ آسیبی در بدن و اعضای من نیست و هیچ علتی در خود نمی بینم تمام اعضاء و بدن من صحیح و سالم و بی عیب است.

این بود کیفیت شفا یافتن عبد الحسین پاکزاد استوار یکم که مشافهة شخصا برای حقیر نقل کرد و بدون کم و زیاد تقریرات او را نوشتم .

پس از این که از آن جلسه برخوردارم خواستم در این موضوع تحقیق بیش تری نموده باشم فقط اکتفا باقرارات خود نام برده نشده باشد لذا از مقام محترم ریاست تشریفات آستان قدس (آقای مجید فیاض) درخواست نمودم که پرونده عبد الحسین مزبور را در این باب که در اداره تشریفات تنظیم شده و صورت رسمیت پیدا کرده در دسترس اینجانب گذارند که از دیدن و استنساخ آن فایده بیش تری برم جناب ایشان عنایت فرموده خواهش داعی را پذیرفته و پرونده را ارسال فرمودند و نگارنده با اجازه ایشان تمام مندرجات در آن را بدون کم و زیاد استنساخ نموده.

### رونوشت پرونده

دفتر آستان قدس - جزودان 1 پروند 6 سال 1333 نوشتجات راجع بشفا یافتن استوار یکم عبد الحسین پاکزاد شماره 1 - 26 / 1 / 33  
شماره ثبت دفتر (750) اداره تشریفات - استوار یکم پاکزاد که معلول بوده 19 / 1 / 33 شفا یافته است - شماره 2 - 21 / 1 / 33

ص: 12

نیابت تولیت عظمی - شفا یافتن استوار یکم پاکزاد گزارش شده.

### **امریه ریاست محترم تشریفات استان قدس: بمسئول پاسداری**

بعد از ادعای عبد الحسین پاکزاد بشفا یافتن او باعجاز حضرت رضا علیه السلام پاسداری - آقای عبد الحسین پاکزاد مدعیست که در روز پنجشنبه 19 فروردین 33 مفلوجا بحرم مطهر مشرف شده پس از توسل بضریح مطهر ببرکت این توسل شفا یافته است دستور دهید جریان مشروح تشریف و خروج آن را گزارش دهند 33 / 1 / 26 - 33 / 1 / 25 - 53

### **گزارشی که مسئول دائره پاسداری: با اداره تشریفات استان قدس داده**

استان قدس - یاد داشت شماره 53 تاریخ 26 ماه 1/1333 ریاست محترم اداره تشریفات استان قدس با اعاده ارجاعی مورخه 26 / 1 / 33 بعرض می رساند طبق وقعه شماره 15 - 19 / 1 / 33 ساعت 4 عصر شخص

ص: 13

استوار یکم پاکزاد باین دفتر آمده در صورتی که سالم بود و آثار فلج و مرضی در او مشاهده نمی شد اظهار داشت من چندین سال است معلول بودم و امروز ببرکت حضرت ابو الفضل شفا یافتم در ضمن ریاست محترم تشریف فرما شدند و استوار نام برده جریان را بعرض مبارك رساند و جناب رئیس مقرر فرمودید که استوار مزبور برود تصدیق و شهادتی از دکتر های معالج و اشخاصی که اطلاع دارند بیاورد لذا طبق تصدیق دکتر جواهریان و شهادت نامه لشکر که تهیه نموده و از نظر مبارك گذرانده و ارجاع باین دائره شد حسب الامر از کفش دار گنبد الله وردی خان حسین ایوانی و میر محمد ربانی زیارت خوان ترك ها و محمد حسن پرهیزگار پاسدار شماره 45 مامور دار السعاده هم تحقیق بعمل آمد مطابق شرحی که هر سه نوشته اند و عیناً پیوست از نظر مبارك می گذرد از قرائن بر می آید که این شخص قبل از تشرف معلول بوده و موقع ورود بکفشداری دو نفر زیر بغل او را گرفته و وارد نمودند و در دار السعاده هم زنانو بزانو نزد سید زیارت خوان آمده و پس از زدن سر خود

ص: 14

بدیوار و حالت غش عارض شدن و حال آمدن برخواسته و اظهار داشته مرا حضرت ابی الفضل شفا دادند و ضمنا پاسدار و کفشدار نام برده می گویند قبلا هم ما این شخص را دیده بودیم که شل بود و با عصا راه می رفت اشخاص دیگری هم افواها می گویند همین طور بوده اطلاعات و تحقیقاتی که این دایره بدست آورده همین است که فوقا بعرض رسید امر مبارکست - مسئول اداره پاسداری - امضاء مسئول مهر اداره تشریفات - ورود بدفتر اداره تشریفات استان قدس - تاریخ 26 / 1 / 33 نمره (705) دفتر 1

### **استشهاد نامه پاکزاد در اینباب**

1333/1/23 استشهاد نامه - بطوری که اغلب از رؤسا و رفقای محترم محبوبم مستحضرنند این بنده استوار یکم عبد الحسین پاکزاد که مریض بودم اخیرا از برکت بیکران حضرت رضا علیه السلام شفا یافته ام و از طرف دربار استان قدس رضوی علیه السلام از لحاظ پخش حقایق و معاریف معنوی دیانت اسلامی در دنیای کنونی

ص: 15

مدارکی از بنده خواسته اند که من جمله استشهادی می باشد که حاضر است لذا تمنا دارم از عموم دوستان آل محمد و دیانت پروران اسلامی آنان که از جریان بیماری و شفا یافتن اینجانب کاملاً اطلاعات دارند دو کلمه گواهی خودشان را لطفاً مرقوم دارند تا باستان علی بن موسی الرضا (روحی و ارواح العالمین له الفداء) تقدیم نمایم با تقدیم احترامات فائقه عبد الحسین پاکزاد (امضاء) عبد الحسین

### **گواهی سروان شه پرست**

مراتب بالا مورد گواهی اینجانب می باشد سروان علی شه پرست - امضاء - سروان علی

### **گواهی سروان امیر اکرمی**

استوار مزبور طبق محتویات پرونده (گزارش 13253، 21-12، 6، 30 هنک 21 بیاده مشهد و صورت جلسه کمیسیون پزشکی مورخه 29 / 11 / 30 بیمارستان لشکر و شماره 6674 - 1 / 12 / 30 بهداری - لشکر 8 خراسان) مبتلا به فلج بودن پا و دست و

ص: 16

رخوت اعضاء بدن بوده و ضمنا در تاريخ سوم شعبان العظم روز تولد حضرت سيد الشهداء عليه الاف التحية و الثناء مصادف با هجدهم فروردين ماه جارى 1333 در استان قدس رضوى عليه السلام شفاء كامل گرفته و اثرى از كسالت مزبور و ارتعاش بدن در وجود وى باقى نمى باشد.

متصدى كارگزىنى درجه داران و افراد پيمانى لشكر 8 خراسان هم سروان امير اكرمى 23 / 1 / 33

### **گواهى رئيس كارگزىنى لشكر 8**

مطالبى را كه سروان امير اكرمى در بالا شرح داده مورد گواهى است - رئيس كارگزىنى لشكر 8 سرگرد سرفرازى 23 / 1 / 33 ( مهر ) لشكر 8 خراسان كارگزىنى .

### **گواهى سرگرد واثقى**

اينجانب سرگرد پياده واثقى فرمانده مورد بحث هستم و باستناد حكايت پرونده اين نام برده مدتى معلول و خارج از صف بود و گواهى مى نمايم كه اينك در نتيجه توسل باستان قدس رضوى بهبود يافته - امضاء

ص: 17

### گواهی استوار یکم علی فابریکی

کارمند کارگزینی - اینجانب استوار یکم علی فابریکی کارمند کارگزینی لشکر 8 خراسان که از تاریخ بهمن ماه سال 29 باین لشکر منتقل گردیده ام سرکار استوار یکم عبد الحسین پاکزاد را دیده و می شناسم که ایشان از طرف دست و پای چپ فلج و سایر بدنش نیز رعشه داشته و مدتی هم در بیمارستان لشکر مداوای لیکن بهبودی نیافته بود اینک الحمد لله رب العالمین از توجهات حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام در شب جمعه و روز تولد امام حسین علیه السلام در حرم مطهر حضرت رضا شفای کامل یافته است - امضاء - فابریکی 21

33 / 1 /

### گواهی استوار شاهداری

اینجانب استوار شاهداری که از سال 25 باین لشکر منتقل شده ام سرکار استوار پاکزاد را می شناسم که همواره با فلج نصف بدن بستاد لشکر مراجعه و

ص: 18



رعشه بدنی داشتند و فعلا از توجهات حضرت ثامن الائمه شفای کامل یافته اند.

استوار شاهداری 23 / 1 / 33

### **گواهی استوار یکم مهدی نیک منش**

اینجانب استوار یکم مهدی نیک منش کارمند کارگزینی لشکر 8 خراسان که از سال 1323 باین لشکر منتقل گردیده ام سرکار استوار یکم عبدالحسین پاکزاد را دیده و می شناسم و ایشان از یک طرف بدن دست چپ و پای چپ فلج و سایر اعضا بدن رعشه داشته و فعلا بحمد الله از توجهات حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام شفای کامل یافته اند.

مهدی نیک منش 23 / 1 / 33

### **گواهی سرهنگ 2 فرزانه**

مفاد مندرجه بالا مورد گواهی اینجانب می باشد

سرهنگ 2 فرزانه

### **گواهی کر معلی محمدی**

اینجانب کر معلی محمدی طالی از قسمت مخابرات

ص: 19

مندرجات فوق را گواهی می نمایم و ضمناً خودم زیر بغلش را گرفته و بردم ( امضاء )

### **گواهی سرگرد معتمد پور**

اینجانب سرگرد معتمد پور سال ها ناظر بودم که استوار پاکزاد از دست و پای راست معیوب و فلج بود و اینک مشار الیه را سالم می بینم.

( امضاء ) سرگرد معتمد پور

### **گواهی سرهنگ محتشمی**

مراتب بالا مورد گواهی است.

سرهنگ محتشمی 23 / 1 / 33

### **سروان کهربائی**

مراتب فوق مورد گواهی است .

سروان کهربائی

### **گواهی سرگرد قریب**

اینجانب سرگرد قریب فرمانده گروهان مخابرات لشکر 8 خراسان این استوار را قبلاً دیده بودم که از طرف راست بدن بکلی فلج بوده ولی از

برکات

ص: 20

درگاه امام هشتم علیه السلام روز تولد حضرت سید الشهداء شفای کامل یافته است.

سرگرد قریب 33/1/25

### **مرقومه حضرت حجة الاسلام فقیه: سبزواری مه ظلله العالی**

نظر بشهادت جمعی از بزرگان جناب آقای عبد الحسین مبتلا بفلج بوده و مدت ها مریض بوده و بواسطه توسل بحضرت ثامن الائمه بهبودی حاصل شده البته ایشان از هر جهت باید احترام کنند که منظور نظر واقع گردیده - فقیه سبزواری

### **گواهی دکتر جواهریان**

( مارک دکتر جواهریان متخصص بیماری های چشم گوش حلق و بینی ) 22 / 1 / 33 - گواهی می شود که استوار پاکزاد سال ها مبتلا بارتعاش و رخوت اعضاء سافله و دست ها بوده که معالجات متداوله مؤثر واقع نشده است.

- دکتر جواهریان

ص: 21

## گواهی کفشدار

اینجانب حسین ایوانی فرزند محمد ابراهیم کفش دار گنبد الله وردی خان در روز 19 / 1 / 33 ساعت دو بعد از ظهر مشاهده نمودم که دو نفر شخصی زیر بغل يك نفر استوار یکم عبد الحسین پاکزاد را گرفته آوردند و کفش و پالتو او را بمن سپردند و بردند داخل گنبد و تقریباً دو ساعت بعد آمدند کفش و پالتو او را گرفتند و بردند و پای استوار مزبور تقریباً یک سال می باشد که من دیده بودم شل بود دیگر اطلاعی ندارم

حسین ایوانی

## گواهی سید زیارت خوان

اینجانب میر محمد ربانی فرزند مرحوم سید حسین اهل خور زیارت خوان روز پنجشنبه چهارم شعبان طرف غروب در دار السعاده نشسته و برای یک نفر بربری زیارت می خواندم مشاهده نمودم که استوار پاکزاد زانوزانو با ته پیراهن در حالی که دستمال بگردنش بسته از طرف گنبد آمد نزد من و گفت مرا ببرید نزد ضریح من

ص: 22

گفتم صبر کنید زیارت بخوانم و بعدا شما را ببرم و شروع زیارت خواندن کردم وقتی بنام ابا الفضل رسیدم استوار سر را محکم بدیوار کوبید بطوری که سرش زخم شد و بی حال گردید پاسدار دار السعاده آمد و دستمال گردنش را بزخم سرش بست و آورد آسایشگاه و این اولین دفعه بود که من این استوار را دیدم و اطلاع بیش تری ندارم - میر محمد ربانی

### گواهی پاسدار

اینجانب محمد حسن پرهیزگار پاسدار شماره 45 مامور دار السعاده عصر روز پنجشنبه 19 فروردین حاضر مشاهده نمودم که سید ترك زیارت خوان برای استوار یکم پاکزاد که با بلیز زیر بود زیارت می خواند در حین اسم بوالفضل سر خودش را کوبید بدیوار من از وسط دار السعاده آمدم جلو دیدم افتاده با حال غش از زبانش با دست لرزان گفته می شود یاغچی الدم ( یعنی خوب شدم ) دستمال گردنش را باز کرده بسرش بستم که خون نریزد بعدا بحال آمد و او را بر پا

ص: 23

کرده بلند نمودم می گفت الحمد لله که حضرت ابو الفضل مرا شفا داد و بعدا رفت کفش و پالتو خود را گرفت و آوردمش به آسایشگاه و خودش گفت شل بودم و امروز شفا یافتم و من قبلا دیده بودم که پایش می لنگید و با عصا راه می رفت اطلاع دیگر ندارم- پرهیزگار

### گزارش جناب آقای رئیس تشریفات

بمقام منبع نیابت تولیت عظمی جناب اجل آقای معتمدی شماره (801) تاریخ 31 / 1 / 33 پیوست چهار برگ مقام منبع نیابت تولیت عظمی - طبق گزارش شماره 53 - 26 / 1 / 33 دائره پاسبانی روز پنجشنبه 19 / 1 / 33 استوار یکم پاکزاد چهار بعد از ظهر در حالی که ، مبتلا برعشه بدن بوده قصد توسل باستان قدس رضوی تشریف حاصل و طبق مدارک پیوست که از لحاظ مبارک می گذرد ببرکات آن بزرگوار شفا یافته است اینک مراتب جهة استحضار خاطر مبارک گزارش می گردد که چنانچه اجازه فرمائید طبق معمول اجازه داده شود عمده شکوه برای اطلاع عامه بخدمت نواختن نقاره اقدام نماید رئیس

ص: 24

### جواب نیابت تولیت عظمی

جناب آقای معتمدی که در ذیل گزارش آقای رئیس تشریفات مرقوم فرموده - موافقت شود- امضاء نیابت تولیت 31 / 1 / 33 - مهر - دفتر تولیت عظمی شماره 935

### امریه آقای رئیس تشریفات

بدائره پاسبانی

دائره پاسبانی چون ببرکات اعلی حضرت سلطان سریر ارتضاء علیه الاف التحیه و الثناء استوار یکم پاکزاد در ساعت چهار بعد از ظهر روز پنجشنبه 19 / 1 / 33 در نتیجه توسل بصریح مطهر از مرض فلج شده شفا یافته دستور دهید برای اطلاع عامه عمله شکوه یک ربع ساعت بنواختن نقاره اقدام نمایند.

رئیس دائره تشریفات استان قدس مجید فیاض

### جواب دائره پاسبانی در ذیل امریه

شفاهاً اقدام گردد و ابلاغ شده است صدور نامه ضرورت ندارد 4 - 2 - 33

ص: 25

## صلی الله علیک یا مولای و سیدی یا ابا الحسن علی بن موسی الرضا

آفتاب مهرت ابر ذره تابیدن بگیرد

ذره در و جداید و بر مهر بالیدن بگیرد

قطره از بحر فیضت گر بخاک تیره ریزد

خاک در یا گردد و از موج لرزیدن بگیرد

شبندی از یم جودت بر سحاب از کشت صاعد

کان گوهر گردد و بر خلق باریدن بگیرد

پرتو حسنت اگر بر هر دل بی تاب تابد

همچو ناهید از شعف در چرخ رقصیدن بگیرد

چشم گریان بلاکش گر بیدار تو افتد

بی خود از خود گردد و از شوق خندیدن بگیرد

حبذا شمس الشموسی کز ضیاء حسن پاکش

خیره خور گرد مدار خویش گردیدن بگیرد

ایمهمین مهر سپهر ارتضا قربان آن دل

کاندر اونور ولای تو درخشیدن بگیرد



گوشه چشمی شها بنما بحیران بلاکش

تا دواى درد خود را وقت نالیدن بگیرد

اثر طبع کلب استان حضرت علی بن موسی

الرضا علیهما الاف التحية و الثناء

محمد حسن میر جهانی المتخلص بحیران

پایان

عکس

گوشه چشمی شها بنما بحیران بلاکش  
تا دوائ درد خود را وقت نالیدن بگیرد

اثر طبع کلب استان حضرت عالی بن موسی

الرضا علیهما الاف التحية و الثناء

محمد حسن میرجهانی المتخلص بحیران

پایان



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

